بررسی تحلیلی گزارش ابن‌اسحاق درباره رویداد غدیر خم

فاطمه شکیب‌رخ[1]

چکیده

درسال دهم هجری، پس از پایان حجه‌البلاغ در محل غدیر خم، امام علی علیه‌السلام به فرمان خداوند توسط رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به‌عنوان وصی و جانشین آن حضرت معرفی شد. اصل واقعه غدیر، مورد تأیید منابع تاریخی مسلمانان است، اما در چرایی وقوع آن، در برخی گزارش‌ها تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود. یکی از این موارد، گزارش منسوب به محمدبن‌اسحاق است. بر اساس این نقل، یکی از دلایل مدعیان مخالف معنای جانشینی، در بابِ علت وقوع غدیر، شکایت چند تن از صحابه از امیرالمؤمنین علیه‌السلام نزد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله است که برخی مورخانِ بعد از ابن‌اسحاق، آن را به معنای مولی در قالب دوست، یاور و برتری آن امام بر دیگر صحابه بیان کرده‌اند. ازاین‌رو، پژوهش حاضر پس از بررسی صحت انتساب گزارش به ابن‌اسحاق، درصددِ فهم این مطلب است که این خبر، چه ابعاد و پیامدهایی در منابع بعد از وی در تاریخ اسلام بر جای نهاده است؟ برخی از نتایج به‌دست‌آمده از این تحقیق که به روش توصیفی ـ تحلیلی انجام گردید، عبارتند از: عدم وجود اصل گزارش در آثار منتسب به ابن‌اسحاق و نبود شاهد یا سند موثق دربارهٔ انتساب این گزارش به ماجرای غدیر خم؛

۱. دانش آموخته سطح سه رشته تاریخ اسلام و دانشجوی دکتری تاریخ تشیع، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران؛
f.shakibrokh@urd.ac.ir

عدم اثبات وثاقت برخی از سیره‌نگاران ناقل گزارش ابن‌اسحاق و مشهور بودن آنان به تعصب مذهبی و فرقه‌ای؛ ناقص بودن روایت ناقلان گزارش؛ عدم نقل گزارش ابن‌اسحاق توسط تاریخ‌نگاران مشهور دیگر و یکسان نبودن متن و جمله‌بندی گزارش ابن‌اسحاق در کتب سیره‌نگاران.

واژگان کلیدی: ابن‌اسحاق، روایت غدیر خم، حجة الوداع، البدایة و النهایه.

مقدمه

بنـا بـر گـزارش منابـع تاریـخ اسـلام، در هجدهـم ذی‌حجه سـال دهـم هجـری، در محل غدیر خم، امام علی علیه‌السلام به‌عنوان وصی رسـول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله معرفی شـد (عیاشی، ۱۳۸۰، ج۱، ص۳۳۲). منابع تاریخی مسـلمانان، در اصل وقوع این حادثه اختلاف ندارند، اما در مسـئله جانشـینی علـی علیه‌السلام، بـه دلیـل وجود برخی گزارش‌هـای تاریخی، در بیان چرایی وقـوع غدیر خم، تفاوت نگـرش وجـود دارد (مطهـری، ۱۳۶۴، ص۱۱۳ـ۱۱۴). یکـی از ایـن گزارش‌هـا کـه محملی بـرای ایجاد چالش‌های بعدی در این زمینه شده، گزارش منسوب به محمدبن‌اسحاق است. این گزارش، بعدهـا به‌عنـوان ادله، برای تعبیر معنای مولی در قالب دوسـت، یـاور و برتری امام علی علیه‌السلام بر دیگـر صحابه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله اسـتفاده شـده اسـت. بااین‌حـال، این گزارش، در کتب منتسـب به ابن‌اسحاق بیان نگردیده است.

ازایـن‌رو، پژوهـش حاضر پس از بررسـی صحت انتسـاب گزارش به ابن‌اسـحاق، درصددِ فهـم ایـن مطلب اسـت کـه این خبر، چـه ابعـاد و پیامدهایـی در منابع بعـد از وی در تاریخ اسـلام بـر جـای نهاده اسـت؟ به‌منظور دسـتیابی بـه دریافت این مسـئله، تعـدادی از راویان سـیره‌نگار تاریخ اسـلام ازجمله: احمدبن‌حنبل، ابن‌کثیر، ابن‌هشـام و طبری انتخاب شدند و سـپس بـا بیـان تفاوت‌های برداشـتی و گفتاری ایشـان از گـزارش اصلی ابن‌اسـحاق، نقد و تحلیل شـده اسـت. ازاین‌رو، رویکرد مقاله حاضر، بررسـی گزارش ناقلان خبر ابن‌اسـحاق، با نظر گرفتن ویژگی شـخصیتی و تعلقی آنان اسـت. تحقیق حاضر با تکیه بر گزارش ابن‌کثیر، به بررسی این خبر در مورخان قبل از وی پرداخته و دلیل این امر، مفصل بودن گزارش نامبرده و بیان خبر، به‌منظور اثبات ادلهٔ گفتمان افضلیت در واقعه غدیر خم بوده است. لازم به ذکر است که افضلیت امام در دیدگاه متکلمان امامیه، عموماً به معنای برتری امام بر دیگران در ویژگی‌هایی مانند علم، عدالت، شجاعت و تقوا بوده و از شرایط امامت معنا شده است (ربانی گلپایگانی، ۱۳۹۶، ص۱۸۸ و ۱۹۱)؛ درحالی‌که این مسئله در منظر متکلمان غیرشیعه، شرط نیست و امامت مفضول بر فاضل جایز فرض شده است (ر.ک: باقلانی، ۱۴۰۷، ص۴۷۱؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج۱، ص۳ و ج۲، ص۲۹۶).

دربارۀ پیشینه موضوع، تنها می‌توان به «تبیین تاریخی دلایل عدم روایت واقعه غدیر در سیره ابن‌اسحاق» به قلم آقایان رسول قلیچ و محمدرحیم ربانی‌زاده اشاره کرد. این تحقیق، بر تبیین عدم نقل روایت غدیر در سیره ابن‌اسحاق معطوف بوده و به نتایجی ازجمله عدم مخالفت ابن‌اسحاق با علمای زمانه، حکومت و... دست یافته است؛ لذا با پژوهش حاضر که به بررسی ابعاد نقل گزارش ابن‌اسحاق در منابع بعد از وی تمرکز دارد، متفاوت است.

۱. گزارش منسوب به ابن‌اسحاق در شرح علت وقوع غدیر

ابوعبدالله، یا ابوبکر محمد بن اسحاق بن یسار بن خیارِ مطلبی مدنی (۸۰ـ۱۵۱ق/ ۶۹۹ـ۷۶۸م)، معروف به ابن‌اسحاق، مورخ، محدث، نسب‌شناس، آگاه به سیره، مغازی و قصص پیامبران و ازجمله نخستین سیره‌نویسانی است که زندگانی پیامبرﷺ را به رشته تحریر درآورد. وی را ایرانی‌نژاد دانسته‌اند (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج۱، ص۲۳۱). ابن‌حبان وی را نخستین سیره‌نویس و محدثی می‌داند که زندگانی رسول خداﷺ را به نگارش درآورده است (ابن‌حبان، ۱۴۱۱، ص۱۳۹ـ۱۴۰).

در این بخش، نقل‌قول و گزارش‌های کتب شاخص از روایت ابن‌اسحاق در شرح علت وقوع غدیر بررسی می‌شود.

۱ـ۱. روایت ابن‌کثیر[1] در البدایه و النهایه[2]

در بین منابعی که به ترسیم علت وقوع غدیر خم پرداخته‌اند، ابن‌کثیر (م۷۷۴ق) نسبت

۱. عمادالدین ابوالفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر قرشی (م۷۷۴ق، دمشق، سوریه) تاریخ‌نگار، تفسیرگر و حدیث‌نگار مشهور شافعی (ر. ک: رحیم‌لو، ۱۳۹۹، ذیل «ابن‌کثیر»). وی نزد افرادی همچون شمس‌الدین ذهبی (م۷۴۸ق)، ابوالحجاج یوسف مزّی (م۷۴۲ق)، شیخ تقی‌الدین ابن‌تیمیّه (م۷۲۸ق) و علم‌الدین برزالی (م۷۳۹ق) (ر. ک: ابن‌کثیر، بی‌تا، ج۱۳، ص۱۷۹ و ۲۹۱) به تعلم و شاگردی نشست.

۲. قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ ـ فِي سِيَاقِ حَجَّةِ الْوَدَاعِ ـ حَدَّثَنِي يَحْيَى بْنِ عَبْدِاللَّهِ بْنِ عَبْدِالرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَمْرَةَ، عَنْ يَزِيدَ بْنِ طَلْحَةَ بْنِ يَزِيدَ بْنِ رُكَانَةَ. قَالَ: لَمَّا أَقْبَلَ عَلِيٌّ مِنَ الْيَمَنِ لِيَلْقَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وسلَّم بِمَكَّةَ، تَعَجَّلَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ وَاسْتَخْلَفَ عَلَى جُنْدِهِ الَّذِينَ مَعَهُ رَجُلًا مِنْ أصحابه، فعمد ذلك الرجل فكسى كُلَّ رَجُلٍ مِنَ الْقَوْمِ حُلَّةً مِنَ الْبَزِّ الَّذِي كَانَ مَعَ عَلِيٍّ، فَلَمَّا دَنَا جَيْشُهُ خَرَجَ لِيَلْقَاهُمْ، فَإِذَا عَلَيْهِمُ الْحُلَلُ. قَالَ: وَيْلَكَ مَا هَذَا؟ قَالَ: كَسَوْتُ الْقَوْمَ لِيَتَجَمَّلُوا بِهِ إِذَا قَدِمُوا فِي النَّاس. قَالَ وَيْلَكَ: انْزِعْ قبل أن ينتهي بِهِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. قَالَ: فَانْتَزَعَ الْحُلَلَ مِنَ النَّاس، فَرَدَّهَا فِي الْبَزِّ. قَالَ: وَأَظْهَرَ الْجَيْشُ شَكْوَاهُ لِمَا صَنَعَ بِهِمْ. قَالَ ابْنُ إِسْحَاقَ: فَحَدَّثَنِي عَبْدُاللَّهِ بْنُ عَبْدِالرَّحْمَنِ بْنِ مَعْمَرِ بْنِ حَزْمٍ، عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ كَعْبِ بْنِ عُجْرَةَ، عَنْ عَمَّتِهِ زَيْنَبَ بِنْتِ كَعْبٍ ـ وَكَانَتْ عِنْدَ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ ـ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ. قَالَ: اشْتَكَى النَّاس عَلِيًّا فَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وسلَّم فِينَا خَطِيبًا، فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ:

به دیگر تاریخ‌نگاران، شرح مفصل‌تری ارائه کرده و برای اثبات مدعای خود، به ارائه گزارش مورخان دیگر نیز روی آورده است؛ ازاین‌رو در تحقیق حاضر، به‌عنوان گزارش اصلی مطرح می‌شود. وی قبل از آنکه داستان یمن را نقل کند، تأکید دارد مطالبی را درباره واقعه غدیر بیان می‌نماید تا (به‌زعم او) روشن شود که در حدیث غدیر، هیچ‌گونه مطلبی مبنی بر ادعای شیعه در مسئله جانشینی وجود ندارد.[1] وی در ادامه، ماجرای اختلاف امام علی علیه‌السلام با لشکر اعزامی به یمن از قول ابن‌اسحاق و در زمینه حجه‌الوداع را چنین شرح می‌کند: هنگامی که امام علی علیه‌السلام (زودتر از لشکر خویش)، از یمن به دیدار رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در مکه آمد، مردی از اصحاب خود را جانشین خود قرار داد. (اما) او (جانشین امام) به هریک از افراد لشکر، جامه‌ای (از غنائم) را که امام علی علیه‌السلام از یمنی‌ها گرفته بود و قصد داشت به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله تحویل دهد، بخشید. زمانی که لشکر به ایشان نزدیک شد، امام علی علیه‌السلام به استقبال آنها رفت. (پس چون مشاهده کرد که) آنها لباس‌ها را در دست (یا در تن) داشتند، فرمود: چرا این گونه است؟ (جانشین) گفت: لباس‌ها را بر لشکریان پوشاندم تا هنگامی که نزد مردم (شرکت‌کنندگان در حج) آمدند، آراسته باشند. امام علی علیه‌السلام فرمود: وای بر تو! لباس‌ها را دربیاورید و پیش از آنکه به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله تحویل دهیم، کسی حقی در آنها ندارد و نمی‌تواند استفاده کند (در واقع، تهدید حضرت نسبت به جانشینش، توسط راوی نقل شده است).

أَيُّهَا النَّاسُ لَا تَشْكُوا عَلِيًّا فَوَاللَّهِ إِنَّهُ لَأَخْشَنُ فِي ذَاتِ اللَّهِ أَوْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ [مِنْ أَنْ يُشْكَى] وَرَوَاهُ الْإِمَامُ أَحْمَدُ مِنْ حَدِيثِ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ بِهِ. وَقَالَ: إِنَّهُ لَأَخْشَنُ فِي ذَاتِ اللَّهِ أَوْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.

وَقَالَ الْإِمَامُ أَحْمَدُ حَدَّثَنَا الْفَضْلُ بْنُ دُكَيْنٍ، ثَنَا ابْنُ أَبِي غَنِيَّةَ، عَنِ الْحَكَمِ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنْ بُرَيْدَةَ قَالَ: غَزَوْتُ مَعَ عَلِيٍّ الْيَمَنَ فَرَأَيْتُ مِنْهُ جَفْوَةً، فَلَمَّا قَدِمْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَكَرْتُ عَلِيًّا فَتَنَقَّصْتُهُ فَرَأَيْتُ وَجْهَ رسول الله يَتَغَيَّرُ. فَقَالَ يَا بُرَيْدَةُ أَلَسْتُ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ، قُلْتُ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ! قَالَ: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ». وَكَذَا رَوَاهُ النَّسَائِيُّ، عَنْ أَبِي دَاوُدَ الْحَرَّانِيِّ، عَنْ أَبِي نُعَيْمٍ الْفَضْلِ بْنِ دُكَيْنٍ، عَنْ عَبْدِالْمَلِكِ بْنِ أَبِي غَنِيَّةَ بِإِسْنَادِهِ نَحْوَهُ. وَهَذَا إِسْنَادٌ جَيِّدٌ قَوِيٌّ رِجَالُهُ كُلُّهُمْ ثِقَاتٌ.

وَقَدْ رَوَى النَّسَائِيُّ فِي سُنَنِهِ: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُثَنَّى، عَنْ يَحْيَى بْنِ حَمَّادٍ، عَنْ أَبِي معاوية عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ حَبِيبِ بْنِ أَبِي ثَابِتٍ، عَنْ أَبِي الطُّفَيْلِ، عَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمَ. قال: لما رجع رسول الله مِنْ حَجَّةِ الْوَدَاعِ وَنَزَلَ غَدِيرَ خُمٍّ أَمَرَ بِدَوْحَاتٍ فَقُمِمْنَ ثُمَّ قَالَ: «كَأَنِّي قَدْ دُعِيتُ فأجبت، إِنِي قد تركت فيكم الثقلين كِتَابُ اللَّهِ وَعِتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي، فَانْظُرُوا كَيْفَ تَخْلُفُونِي فِيهِمَا، فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ، ثُمَّ قَالَ: اللَّهُ مَوْلَايَ وَأَنَا وَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ، ثُمَّ أَخَذَ بِيَدِ عَلِيٍّ فَقَالَ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا وَلِيُّهُ، اللَّهُمَّ والِ مَنْ وَالَاهُ وعادِ مَنْ عَادَاهُ». فَقُلْتُ لِزَيْدٍ سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ مَا كَانَ فِي الدَّوْحَاتِ أَحَدٌ إِلَّا رَآهُ بِعَيْنَيْهِ وَسَمِعَهُ بِأُذُنَيْهِ. تَفَرَّدَ بِهِ النَّسَائِيُّ مِنْ هَذَا الْوَجْهِ. قَالَ شَيْخُنَا أبوعبدالله الذهبي وَهَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ (ابن‌کثیر، ۱۳۹۸، ج۵، ص۲۲۸).

۱. و نحن نورد عيون ما روى في ذلك مع اعلامنا أنه لا حظ للشيعة فيه و لا متمسك لهم و لا دليل لما سنبينه و ننبه عليه، فنقول و بالله المستعان.

راوی در ادامه می‌گوید: لشکریان شکایات خود از رفتار امام علی ﷺ با آنها را نزد رسول خدا ﷺ اظهار کردند. (پس وقتی) مردم از علی ﷺ شکایت کردند، رسول خدا ﷺ در برابر ما ایستاد و خطبه را آغاز کرد و من (راوی) شنیدم که می‌گفت: ای مردم! از علی شکایت مکنید! سوگند به خدا که حقیقتاً او در ذات خدا ـ یا در راه خدا ـ استوارتر و پابرجاتر از آن است که مورد شکوه و گلایه قرار بگیرد.

ابن‌کثیر در ادامه بیان داستان، با آوردن شاهد دیگری از احمدبن‌حنبل، بر جمله «لَأَخْشَنُ فِي ذَاتِ اللَّهِ» از زبان رسول خدا ﷺ درباره امام علی ﷺ تأکید می‌کند؛ ضمن آنکه در شرح علت وقوع غدیر، شکل دیگری از موضوع را از احمدبن‌حنبل که ابن‌عباس و بریده راویان آن هستند، نقل می‌نماید. نکته قابل‌توجه، بیان «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ» در هنگامی است که بریده از یمن نزد رسول خدا ﷺ آمده و از امام علی ﷺ شکایت می‌کند (ابن‌کثیر، بی‌تا، ج۵، ص۲۰۸ و ابن‌هشام، بی‌تا، ج۴، ص۴۱۴).

ملاحظه می‌شود که ابن‌کثیر با نقل گزارش‌های مورخان پیش از خود، وقوع غدیر را به علت اختلاف برخی صحابه با امام علی ﷺ نسبت داده است. اینک برای جستجوی روایت ابن‌کثیر، به گزارش‌های مورخان پیش از وی نیز پرداخته می‌شود.

۱ـ۱. روایت ابن‌هشام در سیرة النبویه[1]

ابن‌هشام (م۲۱۸ق) که به‌خاطر اصلاح و بازنگری در سیره ابن‌اسحاق مشهور شده، درباره علت وقوع غدیر خم آورده است که: لشکریان از امام علی ﷺ نزد رسول خدا ﷺ به دلیل گرفتن جامه‌ها یا حلّه‌های یمنی شکایت کردند (ابن‌هشام، بی‌تا، ج۲، ص۶۰۳) و در ادامه، ماجرا

۱. شَكَا عَلِيًّا جَنَدُهُ إِلَى الرَّسُولِ لِانْتِزَاعِهِ عَنْهُمْ حُلَلًا مِنْ بَزِّ الْيَمَنِ): قَالَ ابْنُ إِسْحَاقَ: وَحَدَّثَنِي يَحْيَى بْنُ عَبْدِاللَّهِ بْنِ عَبْدِالرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَمْرَةَ، عَنْ يَزِيدَ بْنِ طَلْحَةَ بْنِ يَزِيدَ بْنِ رُكَانَةَ، قَالَ: لَمَّا أَقْبَلَ عَلِيٌّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ مِنَ الْيَمَنِ لِيَلْقَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِمَكَّةَ، تَعَجَّلَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَاسْتَخْلَفَ عَلَى جُنْدِهِ الَّذِينَ مَعَهُ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِهِ، فَعَمِدَ ذَلِكَ الرَّجُلُ فَكَسَا كُلَّ رَجُلٍ مِنَ الْقَوْمِ حُلَّةً مِنَ الْبَزِّ الَّذِي كَانَ مَعَ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ. فَلَمَّا دَنَا جَيْشُهُ خَرَجَ لِيَلْقَاهُمْ، فَإِذَا عَلَيْهِمُ الْحُلَلُ، قَالَ: وَيْلَكَ! مَا هَذَا؟ قَالَ: كَسَوْتُ الْقَوْمَ لِيَتَجَمَّلُوا بِهِ إِذَا قَدِمُوا فِي النَّاسِ، قَالَ: وَيْلَكَ! انْزِعْ قَبْلَ أَنْ تَنْتَهِيَ بِهِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. قَالَ: فَانْتَزَعَ الْحُلَلَ مِنَ النَّاسِ، فَرَدَّهَا فِي الْبَزِّ، قَالَ: وَأَظْهَرَ الْجَيْشَ شَكْوَاهُ لِمَا صُنِعَ بِهِمْ. قَالَ ابْنُ إِسْحَاقَ: فَحَدَّثَنِي عَبْدُاللَّهِ بْنُ عَبْدِالرَّحْمَنِ بْنِ مَعْمَرِ بْنِ حَزْمٍ، عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ كَعْبِ بْنِ عُجْرَةَ عَنْ عَمَّتِهِ زَيْنَبَ بِنْتِ كَعْبٍ، وَكَانَتْ عِنْدَ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ، قَالَ: اشْتَكَى النَّاسُ عَلِيًّا رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ، فَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِينَا خَطِيبًا، فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ: أَيُّهَا النَّاسُ، لَا تَشْكُوا عَلِيًّا، فو الله إِنَّهُ لَأَخْشَنُ فِي ذَاتِ اللَّهِ، أَوْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، مِنْ أَنْ يُشْكَى (ابن‌هشام، بی‌تا، ج۲، ص۶۰۳).

را همانند نقل ابن‌کثیر بیان می‌کند؛ بنابراین می‌توان دریافت که ابن‌کثیر گزارش خود را از ابن‌هشام بازگو کرده است.

۲ـ۱. روایت أحمدبن‌حنبل[1] در مسند[2]

شرح وقوع غدیر در مسند احمد (م۲۴۱ق)، گزارشی مختصر و با ذکر سلسله سندی متفاوت از نقل ابن‌کثیر از ابن‌اسحاق است؛ چنان‌که خبری از روایت ابن‌عباس و بریده که ابن‌کثیر آنها را در گزارش احمد نام برده است، دیده نمی‌شود و عنوانی مبنی بر وابستگی مطلب به گزارش علت وقوع غدیر نیز نیاورده است، مگر همان جمله **لَأَخْشَنُ فِي ذَاتِ اللَّهِ** تا آخر... (ر. ک: احمدبن‌حنبل شیبانی، ۱۴۲۱، ج۱۸، ص۳۳۷) که بیانگر اهمیت این فراز در نزد وی می‌باشد. آنچه مسلم است عدم وجود دلیل قطعی در نسبت علت شکایت در وقوع غدیر خم، نزد احمدبن‌حنبل می‌باشد که ابن‌کثیر آن فراز را از جانب احمد به‌عنوان ادله برای ادعای خود ذکر کرده است.

۳ـ۱. روایت طبری[3]

طبری (م۳۱۰ق) نیز در شرح واقعه غدیر، گزارش ابن‌اسحاق را نقل کرده است (طبری، ۱۳۸۷،

۱. احمدبن‌حَنبَل (۱۶۴ـ۲۴۱ق) از فقهای چهارگانه اهل‌سنت، محدث و پیشوای مذهب حنبلی است که در فقه، بیش از مذاهب دیگر، به ظاهر احادیث پیامبرﷺ و اقوال صحابه گرایش داشت. وی شاگرد شافعی و از ناقلان حدیث غدیر و احادیث فضیلت امیرالمؤمنین علی‌ؑ بود. احمد در تربیع خلفا (خلیفه چهارم دانستن امام علی‌ؑ) و شکل‌دهی مذهب تسنن در مقابل مذهب عثمانی نقش بسزایی ایفا کرد. از جمله کتبی که به وی منسوب است می‌توان به مسند احمد، فضائل الصحابه و فضائل امیرالمؤمنین علی‌بن‌ابی‌طالب ؑ اشاره کرد (ر. ک: شهرستانی، ۱۳۹۰، ج۱، ۴۰۸؛ سمعانی، ۱۳۸۲، ج۴، ص۲۸۰؛ سبحانی، ۱۴۱۸، ج۳، ص۹۰ـ۸۸ و گرجی، ۱۳۹۸، ص۸۵).

۲. حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ، حَدَّثَنَا أَبِي، عَنِ ابْنِ إِسْحَاقَ قَالَ: فَحَدَّثَنِي عَبْدُاللهِ بْنُ عَبْدِالرَّحْمَنِ بْنِ مَعْمَرِ بْنِ حَزْمٍ، عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ كَعْبِ بْنِ عُجْرَةَ، عَنْ عَمَّتِهِ زَيْنَبَ بِنْتِ كَعْبٍ، ـ وَكَانَتْ عِنْدَ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ ـ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ: اشْتَكَى عَلِيًّا النَّاسُ، قَالَ: فَقَامَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِينَا خَطِيبًا، فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ: «أَيُّهَا النَّاسُ لَا تَشْكُوا عَلِيًّا، فَوَاللهِ إِنَّهُ لَأَخْشَنُ فِي ذَاتِ اللهِ، أَوْ فِي سَبِيلِ اللهِ» (احمدبن‌حنبل شیبانی، ۱۴۲۱، ج۱۸، ص۳۳۷).

۳. حَدَّثَنَا ابْنُ حُمَيْدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا سَلَمَةُ، عَنِ ابْنِ إِسْحَاقَ، عَنْ يَحْيَى بن عبدالله بْن عبدالرحمن بْن أَبِي عَمْرَةَ، عَنْ يَزِيدَ بْنِ طَلْحَةَ بْنِ يَزِيدَ بْنِ رُكَانَةَ، قَالَ: لَمَّا أَقْبَلَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ مِنَ الْيَمَنِ لِيَلْقَى رَسُولَ اللَّهِ بِمَكَّةَ تَعَجَّلَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ، وَاسْتَخْلَفَ عَلَى جُنْدِهِ الَّذِينَ مَعَهُ رَجُلا مِنْ أَصْحَابِهِ، فَعَمَدَ ذَلِكَ الرَّجُلُ، فَكَسَا رِجَالا مِنَ الْقَوْمِ حُلَلا مِنَ الْبَزِّ الَّذِي كَانَ مَعَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، فَلَمَّا دَنَا جَيْشُهُ، خَرَجَ عَلِيٌّ لِيلقاهم، فَإِذَا هُمْ عَلَيْهِمُ الْحُلَلَ، فَقَالَ: وَيْحَكَ مَا هَذَا! قَالَ: كَسَوْتُ الْقَوْمَ لِيَتَجَمَّلُوا بِهِ إِذَا قَدِمُوا فِي النَّاسِ، فَقَالَ: وَيْلَكَ! انْزَعْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَنْتَهِيَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ. قَالَ: فَانْتَزَعَ الْحُلَلَ مِنَ النَّاسِ، وَرَدَّهَا فِي الْبَزِّ، وَأَظْهَرَ الْجَيْشُ شِكَايَةً لِمَا صُنِعَ بِهِمْ. حَدَّثَنَا ابن حميد، قال: حَدَّثَنَا سلمة، عن محمد بْنِ إِسْحَاقَ، عَنْ عَبْدِاللَّهِ بْنِ عَبْدِالرَّحْمَنِ بْنِ مَعْمَرِ بْنِ حَزْمٍ، عَنْ سُلَيْمَانَ بن محمد بن كعب بن عجزه،

ج۳، ص۱۴۹)؛ درحالی‌که اصل گزارش غدیر در کتاب تاریخی وی موجود نیست.[1]

۴ـ۱. روایت ابن‌اثیر در الکامل[2]

ابن‌اثیر (م۶۳۰ق)[3] گزارش اعزام امام علی علیه‌السلام به یمن و اختلاف لشکریان بر سر غنائم با امام علی علیه‌السلام را ذیل آمران یا فرماندهان اعزامی برای صدقات از جانب رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله آورده و عنوانی برای ارتباط این ماجرا با واقعه غدیر خم مطرح نکرده است؛ ضمن آنکه راوی گزارش را نیز معین ننموده است (ر. ک: ابن‌اثیر، ۱۳۸۵، ج۲، ص۱۶۵).

۲. نقد و پیامد گزارش ابن‌اسحاق

سیره‌نگاری به‌عنوان آغازگرِ تاریخ‌نگاری اسلامی و مبنای تاریخ‌پژوهی شناخته می‌شود. بدون تردید یکی از آفات مهم آن، بیان سلیقه‌ای و برداشت‌های متفاوت از وقایع توسط سیره‌نویسان در شرح و نقل برخی از گزارش‌های مرتبط با سیره رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و حوادث مهم حیات ایشان بوده که بر پندارها و انگاره‌های مسلمانان نسل بعد تأثیر مستقیم داشته است. ازجمله دلایل مهم این آفت، شرایط و مصالح سیاسی و حکومتی زمان زندگی مورخان و گرایش‌های فرقه‌ای آنان است. وابستگی این افراد به دربارهای حکومتی وقت نیز عاملی

عَنْ عَمَّتِهِ زَيْنَبَ بِنْتِ كَعْبِ بْنِ عُجْرَةَ ـ وَكَانَتْ عِنْدَ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ ـ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ، [قَالَ: شَكَا النَّاسُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ، فَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ فِينَا خَطِيبًا، فَسَمِعْتُهُ يقول: يا ايها الناس، لا تشكوا عليا، فو الله انه لأخشى فِي ذَاتِ اللَّهِ ـ أَوْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ـ من ان يشكى] (طبری، ۱۳۸۷، ج۳، ص۱۴۹).

۱. گفته شده که طبری کتاب مستقلّی تحت عنوان کتاب الولایه یا طرق حدیث الغدیر یا کتاب الفضائل تالیف کرده که پاره‌های برجای‌مانده از این کتاب در گزارش‌های مورخان بعد از وی مشهود است (ر. ک: الغدیر، بی‌تا، ج۱، ص۱۵۲). درباره علت عدم وجود حدیث غدیر در تاریخ طبری ادله‌ای مطرح است: اینکه شاید آن دو جلد کتاب درباره حدیث غدیر، بخشی از کتاب تاریخ طبری بوده و در دوره‌های بعد به‌خاطر سیطره حکومت‌ها، از آن جدا شده است؛ یا اینکه بعد از تالیف کتب تاریخی خویش متوجه ادله حدیث غدیر شده و لذا این کتاب را تالیف کرده است (ر: ک: جعفریان، ۱۳۷۹، ص۲۱۸ـ۱۹۷).

۲. وَبَعَثَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ إِلَى نَجْرَانَ، لِيَجْمَعَ صَدَقَاتِهِمْ وَجِزْيَتَهُمْ وَيَعُودَ، فَفَعَلَ وَعَادَ، وَلَقِيَ رَسُولَ اللَّهِ ـ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ـ بِمَكَّةَ فِي حَجَّةِ الْوَدَاعِ، وَاسْتَخْلَفَ عَلَى الْجَيْشِ الَّذِي مَعَهُ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِهِ، وَسَبَقَهُمْ إِلَى النَّبِيِّ ـ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ـ فَلَقِيَهُ بِمَكَّةَ، فَعَقَدَ الرَّجُلُ إِلَى الْجَيْشِ، فَكَسَاهُمْ، كُلَّ رَجُلٍ حُلَّةً مِنَ الْبَزِّ الَّذِي مَعَ عَلِيٍّ، فَلَمَّا دَنَا الْجَيْشُ خَرَجَ عَلِيٌّ لِيَتَلَقَّاهُمْ، فَرَأَى عَلَيْهِمُ الْحُلَلَ، فَنَزَعَهَا عَنْهُمْ، فَشَكَاهُ الْجَيْشُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ـ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ـ فَقَامَ النَّبِيُّ ـ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ـ خَطِيبًا فَقَالَ: «أَيُّهَا النَّاسُ، لَا تَشْكُوا عَلِيًّا، فَوَاللَّهِ إِنَّهُ لَأَخْشَنُ فِي ذَاتِ اللَّهِ، وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ» (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵، ج۲، ص۱۶۵).

۳. ابوالحسن علی بن محمد بن محمد بن اثیر، مشهور به عزالدین، محدث، مورخ و ادیب اهل‌تسنن و صاحب دو کتاب مهم تاریخی اسد الغابه فی معرفة الصحابه و الکامل فی التاریخ (ر. ک: رضازاده لنگرودی، ۱۳۹۹، ذیل «ابن‌اثیر»).

فزاینده و اثرگذارنده بر بیان سلیقه‌ای مطالب ایشان بود که باعث عدم انتخاب گزارش‌هایی شد که با منافع آنان در تضاد بود (ر. ک: زریاب خویی، ۱۴۰۰، ص۱۵ـ۱۸ و محمدجعفری، ۱۳۶۸، ص۳۶). ادامه این روند در برخی ادوار تاریخی، به‌صورت حذف و یا مفقود شدنِ گزارش‌های کتب پیشین اتفاق افتاد که شواهد تاریخی، آن را تأیید می‌کند (ر. ک: شرف‌الدین، ۱۳۶۸، ص۱۸ـ۱۹).

در نقد گزارش ابن‌اسحاق و نسبت آن با شرح وقوع غدیر توسط مورخان بعد از وی، نکات ذیل قابل‌توجه است:

۱ـ۲. اینکه آیا مورد استفاده گزارش ابن‌اسحاق، در علل شکل‌گیری بیان وقوع غدیر بوده یا خیر، در صدر سؤالاتی است که مدافعان خبر به آن پاسخ نداده‌اند. در واقع، یکی از اشکالات نقل مذکور این بوده که شاهد و یا سند صحیحی درباره ارتباط خبر با غدیر خم، از جانب ابن‌اسحاق و از طرف ناقلان خبر وی صادر نشده است.[1] با استناد به منابع تاریخی در متن گزارش، مسئله شکایت در حالی مطرح است که ارتباط آن با واقعه غدیر خم، در کلمات و جملات متن مشخص نمی‌باشد؛ چراکه رسول خدا ﷺ در جواب شاکیان ـ بنا بر گزارش مذکور ـ می‌گوید از امام علی علیه‌السلام شکایت مکنید تا آخر و جمله من کنت مولاه را که مشخصه غدیر است بیان نمی‌کند. در واقع، در متن خطبه غدیر خم، جمله‌ای مبنی بر علت وقوع غدیر و گفتار رسول خدا ﷺ درباره شکایات نام‌برده از امام علی علیه‌السلام وجود ندارد که اگر چنین مسائلی سبب وقوع غدیر بود، لازم می‌آمد که رسول خدا ﷺ در این رابطه حتماً پیشگفتاری بیان کرده باشد؛ همچنان‌که در سیره رسول خدا ﷺ چنین مواردی یافت می‌شود. برای این مدعا می‌توان به ماجرای اعتراض انصار در تقسیم غنائم غزوه حنین اشاره کرد که پیامبر خدا ﷺ در متن خطبه‌ای که برای انصار ایراد فرمود، علت بیان خطبه، یعنی اعتراض انصار در تقسیم غنائم را بیان کرده است (ر. ک: واقدی، ۱۴۰۹، ج۳، ص۹۵۹). ازاین‌رو این سؤال مطرح می‌شود که چرا شکایتی که بنابر ادعای ابن‌هشام و دیگران، در هنگام پیوستن امام علی علیه‌السلام به رسول خدا ﷺ برای حج مطرح شده، پس از وقوع حج و در مسیر بازگشت به مدینه درباره‌اش خطبه ایراد شده است؟ و چرا مانند غزوه حنین، بدون وقفه، توسط رسول

۱. این مطلب را مورخان بعد از وی نقل کرده‌اند و اینکه عنوان گزارش ـ علت وقوع غدیر خم ـ مربوط به ابن‌اسحاق است یا خیر، مویدی ندارد.

خدا ﷺ مطرح نگردید؟ این مطلب خود دلیل بر عدم ارتباط گزارش ابن‌اسحاق به واقعه غدیر خم است.

۲ـ۲. وجود نظریات مختلف درباره مقام علمی ابن‌اسحاق سبب گردیده است که برخی او را ثقه و عده‌ای دیگر کذابش بدانند.[۱] در واقع، نقل حدیث از امامان شیعه و شیعیان ایشان و درس‌آموزی از اساتیدی که دارای گرایش شیعی بودند،[۲] سبب انتساب وی به گرایش‌ها شیعی شده است (ر.ک: ذهبی، ۱۴۲۸، ج۱، ص۱۷۲). ازاین‌رو، بیشتر اتهامات در وثاقت ابن‌اسحاق، مربوط به گرایش‌های مذهبی افراد ناقد می‌باشد.

۳ـ۲. گزارش ابن‌اسحاق در بیان واقعه غدیر خم، ازجمله گزارش‌هایی است که مورخان بعدی، آن را در کتب خویش ذکر کرده‌اند؛ درحالی‌که این گزارش‌ها در کتب منتسب به وی وجود ندارد. اتکا به گزارشی که در منبع اصلی نویسنده آن نیامده، به‌منظور تبیین گزارش دیگر، استفاده‌ای نامتعارف و غیرمعقول برای اثبات ادله منتقدان و شارحان گزارش غدیر خم است. مضاف بر آن، برخی سیره‌نگارانی که از ابن‌اسحاق نقل گزارش کرده‌اند و در تحقیق به آن اشاره گردید، به وثاقت در بین عموم مسلمانان شناخته‌شده نیستند.[۳]

در این میان، ازآنجایی‌که در دسترس نبودن کتب اصلی ابن‌اسحاق و گزارش‌های منتسب به وی، شامل گزارشِ شرح وقوع غدیر خم نیست و گزارش‌ها و کتب دیگر وی را نیز دربرمی‌گیرد، نمی‌توان گزارش مذکور را نادیده گرفت؛ چنان‌که ابن‌هشام به‌واسطه اصلاح کتاب السیرة النبویة معروف گردیده است، درحالی‌که اصل این کتاب موجود نیست (ر.ک: یوسفی غروی، ۱۴۱۷، ج۱، ص۲۱ـ۲۰).

۴ـ۲. بر ما روشن نیست که عدم وجود اصل خبر واقعه غدیر خم در کتب منتسب به

۱. وثاقت یا عدم وثاقت ابن‌اسحاق، یکی از موضوعات مورد توجه رجال‌شناسان بوده است. مسئله اول، ارتباط بین مالک‌بن‌انس و ابن‌اسحاق است که هر دو یکدیگر را طرد کردند (ر.ک: ابن‌عدی، ۱۴۰۹، ج۶، ص۱۰۶). مسئله دوم، به دلیل گفته هشام‌بن‌عروه و اختلافش با وی به‌خاطر نقل روایت از همسر هشام بوده است. این امر سبب انواع تهمت‌ها ازجمله تشیع و قدری بودن ابن‌اسحاق گردید (الدوری، بی‌تا، ج۱، ص۲۴۷ و ابن‌عدی، ۱۴۰۹، ج۶، ص۱۰۶).

۲. برخی اساتیدی که ابن‌اسحاق از محضر ایشان تعلم کرد: عاصم بن عمر بن قتاده، یزیدبن‌رومان، محمدبن‌ابراهیم، قاسم‌بن‌محمد، نافع مولی ابن‌عمر، ابن‌شهاب زهری، عبدالله بن ابوبکر بن محمد مدنی، محمدبن‌سائب کلبی و... (مهدوی، ۱۳۷۷، ص۳ـ۴ و ۷ـ ۸ و ذهبی، ۱۴۰۵، ج۷، ص۳۴).

۳. ازجمله ابن‌کثیر که درباره وی پرداخته خواهد شد.

ابن‌اسحاق،[1] اهمال مورخ بوده، یا حذف آن توسط تاریخ‌نگاران بعدی و یا به‌واسطه اقدام هدفمند افراد دیگر اتفاق افتاده است؟ این مسئله، پژوهشی نو را برمی‌تابد.

۵ـ۲. در گزارش ابن‌اسحاق، ابوسعید خدری یکی از راویان است؛ درحالی‌که از وی در کتب دیگر، مانند تفسیر ابن‌ابی‌حاتم درباره شأن نزول آیه ولایت، واقعه غدیر خم نقل شده است[2] (ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹، ج۴، ص۱۱۷۲). حال این سؤال باقی می‌ماند که اگر شکایت از علی علیه‌السلام علت وقوع غدیر بود، چرا آیه ولایت بنابر گزارش بسیاری از بزرگان،[3] در شأن ایشان نازل شده است؟ و چرا تاریخ‌نگاران اسلام، با وجود چنین گزارش‌هایی، بر خبر علت وقوع غدیر خم از جانب ابن‌اسحاق تأکید ورزیدند و افرادی مانند ابن‌کثیر تلاش کردند برای اثبات خبر نام‌برده، آن را از طرق دیگر نیز بیان کنند؟

۶ـ۲. اختلاف بین متن گزارش در منابع ناقل خبر ابن‌اسحاق، این سؤال را ایجاد می‌کند که عدم یکسانی و اختلاف جمله‌بندی گزارش، به چه علت می‌تواند باشد؟ این در حالی است که مدعیان، خبر را به ابن‌اسحاق نسبت می‌دهند؛ اما هم روایت تفاوت دارد و هم جمله‌بندی‌های یکسانی ندارد. به‌عنوان‌مثال: ابن‌کثیر در بیان گزارش شکایت ابن‌اسحاق، دو سلسله روات متفاوت را معرفی می‌کند؛ درحالی‌که مضمون گزارش نیز اختلاف دارد. در اینجا باز این سؤال پیش می‌آید که آیا ابن‌کثیر و تاریخ‌نگارانی که به شرح علت وقوع غدیر پرداختند، صرفاً به دنبال بیان واقعه بودند و یا قصد بیانِ وجود شکایت از امام علی علیه‌السلام در نزد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را به‌منظور انحراف افکار از اصل وصایت داشته‌اند؟ که اگر چنین باشد، گزارش وی ارتباطی با علت وقوع غدیر خم ندارد؛ چراکه همان طور که بیان شد گزارش ابی‌سعید خدری، مربوط به نزول آیه ولایت و در مدینه بوده و در مکه اتفاق نیفتاده است.

۷ـ۲. در خبر منتسب به ابن‌اسحاق، از دو روای، نقل‌قول گردیده است: نخست بریده‌بن‌حصیب و بار دیگر از ابن‌رکانه که در ماجرای سعایت، خود شاهد ماجرا قرار نگرفته است؛ بلکه صرفاً به‌عنوان راوی خبر شنیده‌شده شناخته می‌شود. خبر بریده نیز، بنا بر

۱. اصل گزارش غدیر خم، توسط افرادی مانند واقدی، ابن‌هشام، طبری، بخاری و مسلم و... ذکر نشده است (ر. ک: امینی، بی‌تا، ج۱، ص۱۶۷ـ۳۱۱).

۲. «نزلت هذه الآية: ﴿يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ﴾ ـ في علي‌بن‌أبي‌طالب علیه‌السلام».

۳. برای اطلاع از اسناد روایی آیات ولایت (ر. ک: میلانی، ۱۳۷۴، ج۲۰، ص۸۶ـ۱۲).

اتفاق بیشتر منابع، حادث در مدینه بوده و در مکه واقع نشده است. در این گزارش، بریده به دستور خالدبن‌ولید به مدینه بازگشته بود تا نزد رسول خدا ﷺ از امام علی علیه‌السلام سعایت کند (ر.ک: طبرانی، ۱۴۱۵، ج۶، ص۱۶۲). این امر، خود دلیلی است که این شکایت، مربوط به سفر منتهی به حجه‌الوادع نبوده است؛ لذا به‌عنوان دلیل وقوع غدیر خم و مرتبط بودن شکایت از امام علی علیه‌السلام، توسط سیره‌پردازانی مانند واقدی (م۲۰۷ق) و تا سال ۲۱۷ق، غیر از مسند احمدبن‌حنبل حلبی و بعدازآن هیثمی و طبرانی (حلبی، ۱۴۲۷، ج۳، ص۳۸۶؛ هیثمی، ۱۴۱۴، ج۹، ص۱۲۸ و طبرانی، ۱۴۱۵، ج۶، ص۱۶۲) نقل نشده است و حتی افرادی مانند طبری نیز آن را خلاصه و با اکراه بیان کرده‌اند.

این مطلب قابل‌توجه است که آیا در مقطع زمانی که ابن‌کثیر و دیگران بر انتساب گزارش ابن‌اسحاق به واقعه غدیر خم تأکید داشتند، شرایط حکومتی، سیاسی و اعتقادی سیره‌نگاران، بر نوشتار ایشان تأثیر ملموسی نهاده بود؟ و یا مجزا از فضای حاکمیتی بوده است؟ در این خصوص، مورد ستایش بودن ابن‌تیمیه در بیان ابن‌کثیر، گرایش وی به سلفیّه[1] و یا ضدیت وی با شیعیان (ابن‌کثیر، بی‌تا، ج۶، ص۲۴۸؛ ج۸، ص۱۷۲ و ج۱۱، ص۱۵)، از مواردی است که می‌توان در دریافت پاسخ اشاره داشت. این نکته نیز دور از ذهن نیست که حکومت‌های معاصر در عصر سیره‌نگاران، از ابن‌اسحاق تا ابن‌کثیر، درصدد حذف فکری و فیزیکی شیعیان بودند؛ لذا برای این سرکوبی، به مواجهه‌ای علمی، اعتقادی، پشتوانه تاریخی و روایی از سیره رسول خدا ﷺ احتیاج داشتند؛[2] به‌ویژه آنکه شواهد، نشان‌دهنده وجود مناسبات بین ایشان و حکومت‌ها است.[3] این امر برمی‌تافت که متخصصان و بازگوکنندگان تاریخ و سیره، اگر در راستای منافع حکومت زمان خود همکاری نداشتند، دست‌کم مخالفتی نیز در مسیر اقتدار و اهداف حکومت‌ها نداشته باشند؛ چراکه به اتهام شیعه بودن، مورد تخطئه دولت‌ها قرار می‌گرفتند.

۱. با مطالعه آثار و گفتارهای ابن‌کثیر، علایق و گرایش‌های وی کاملاً مشهود می‌شود (ر.ک: ابن‌کثیر، ۱۳۹۸، ج۱۴، ص۳۴ـ۳۶). ابن‌تیمیه نیز از مخالفان سرسخت شیعیان امامیه بود و کتابی در ردّ علامه حلّی به نام منهاج السنة النبوية نگاشت.

۲. برای آگاهی از کشتار و زندیق و کافر خواندن شیعیان در زمان امویان (ر.ک: ابن‌أبی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج۱۱، ص۴۴). همچنین برای اطلاع از شیعه‌ستیزی در اشعار شاعران عهد عباسی، منع شیعیان از زیارت قبر امام حسین علیه‌السلام و ویرانی قبور امامان (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۲۰، ج۱، ص۲۲۳ و طوسی، ۱۴۱۴، ص۳۲۵).

۳. برای نمونه می‌توان به روابط ابن‌اسحاق با عباسیان اشاره کرد. وی از جانب دربار منصور عباسی فراخوانده شد و سپس مهدی عباسی از وی خواست کتابی در تاریخ از زمان حضرت آدم تا عصر او تألیف کند (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج۱، ص۱۲۲).

در بحث پیامد گزارش ابن‌اسحاق، موارد زیر مطرح است:

الف) این نکته حائز اهمیت است که تکیه بر گزارش شکایت در رویداد غدیر توسط برخی مورخان، سبب دور ماندن امت اسلام از وقایع غدیر خم گردید و این وقایع، خود شاهدی محکم برای روشن شدن حقیقت غدیر و مسیر هدایت مسلمانان در خواست خداوند و رسولش بود. تفسیر اشتباه از معنای مولی در عبارت «**من کنت مولاه فهذا علی مولا**»، از پیامدهای مهم اتکا به چنین گزارش‌هایی است؛ خاصه آنکه خبر مذکور، توسط افرادی مانند ابن‌کثیر بسط و تأکید بیشتری یافت؛ درحالی‌که وی نسبت به تاریخ‌نگاران پیش از خود، فاصله بیشتری با اصل واقعه داشته است. این مطلب مشخص می‌کند که بیان مفصل و مؤکد از سیره‌پردازانی غیر از ابن‌اسحاق در کتاب ابن‌کثیر، به‌منظور بیان ادله اهل‌سنت در برابر عدم اصالت امامت امام علی علیه‌السلام بوده و بیان صرف تاریخ مطرح نبوده است.

ب) گزارش ابن‌اسحاق و ارتباط دادن آن به شکایت عده‌ای از امام علی علیه‌السلام، سبب گشودن باب تازه‌ای درباره گفتمان فرق مذاهب، با محوریت شیعه و سنی گردید. براین‌اساس، ایشان بر آن شدند که از زمان تشکیل سقیفه تا به امروز، برای اثبات حقانیت برداشت خود از واقعه غدیر، به احتجاج‌های مختلف روی آورند. بنابراین می‌توان گفت که وجود گزارش‌های علت وقوع غدیر خم، سبب ایجاد گفتمانی درون‌مذهبی در منابع تاریخ اسلام گردید؛ گفتمان احقیت (یا وصایت) و افضلیت امام علی علیه‌السلام بر دیگر صحابه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله که در بحث جانشینی و هدایت جامعه اسلامی در برخی ادوار تاریخی، زمینه‌ساز اختلافات شدید بین شیعیان و اهل‌سنت گردیده است. چنان‌که شواهد تاریخی اذعان دارند وجود آرای تکفیری که برآمده از نقل‌قول‌های سلیقه‌ای در وقایع تاریخ اسلام بوده، زمینه موجه ساختن کشتار شیعیان را رقم زده است. درگیری میان شیعیان و اهل‌سنت در محله کرخ بغداد (۴۴۳ق) (ابن‌اثیر، بی‌تا، ج۸، ص۳۰۱)، نمونه‌ای از چنین رویدادهایی می‌باشد که شالودهٔ اصلی این حوادث تلخ را نگرش‌های متفاوت شیعه و سنی در اصول اعتقادی برآمده از روایات و گفتار سلیقه‌ای مورخان تاریخ اسلام رقم زده است.

نتایج و یافته‌ها

جایگاه برجسته روایات ابن‌اسحاق در سیره‌نگاری و پرچم‌داری وی در بیشتر منابع تاریخی جهان اسلام، سبب توجه تاریخ‌نگاران نسل بعد از وی گردید. باتوجه‌به عدم وجود اصل کتاب ابن‌اسحاق، سخن راندن درباره وجود و یا عدم وجود گزارش وی دربارهٔ غدیر خم بسیار دشوار است؛ اما باتوجه‌به شرایط دوران حیات ابن‌اسحاق، یعنی مصادف گردیدن با عصر اموی و عباسی و ویژگی‌های دوران این عصر، یعنی سیاست کلی عدم قدرت‌یابی و شناخته شدن علویان، این تصور می‌رود که عدم وجود گزارش ابن‌اسحاق مربوط به غدیر خم، مطلبی دور از ذهن نباشد؛ بلکه مقتضای زندگی در چنین دورانی نیز بوده است. به‌خصوص آنکه وجود گزارش علت وقوع غدیر خم، مؤید این مطلب است. بنابراین با تکیه بر مؤیدات تاریخی، در دسترس نبودن اصل کتاب ابن‌اسحاق درحالی‌که کتاب برگرفته از آن، یعنی سیره ابن‌هشام، با اختلاف چندی بعدازآن نوشته شده خود می‌تواند پاسخی باشد که چرا کتاب منبع، بعد از مورد استفاده قرار گرفتن، به علتی ناموجه از دسترس خارج گردیده است. این نکته ایجاب می‌کند که گزارش مذکور، به‌صورت نقادانه بررسی گردد. در تحقیق حاضر، مهم‌ترین پیامد و نقد گزارش منسوب به ابن‌اسحاق، بر اساس موارد ذیل مطرح گردیده است:

۱. عدم وجود اصل گزارش در کتب منسوب به ابن‌اسحاق و نبود شاهد یا سند موثق دربارهٔ انتساب این گزارش به ماجرای غدیر خم.

۲. عدم اثبات وثاقت برخی از سیره‌نگاران و ناقلان گزارش ابن‌اسحاق و شهرت آنان به تعصب مذهبی و فرقه‌ای.

۳. عدم وجود پیشگفتار و مقدمه متصل به اصل متن در خطبه غدیریه در روایت ناقلان گزارش که بر ارتباط شکایت مردم یا لشکر از امام علی علیه‌السلام تأکید دارد؛ درحالی‌که طبق سیره نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله، مطالب مهم، بدون مقدمه بیان نشده است و این خود دلیلی دیگر بر تشکیک روایت منسوب و یا تحریف آن است؛ چنان‌که در خطبه غدیر خم در منابع شیعی، این مقدمه موجود است.

۴. عدم نقل گزارش ابن‌اسحاق توسط تاریخ‌نگاران مشهور دیگر.

۵. عدم یکسانی متن و جمله‌بندی گزارش ابن‌اسحاق در کتب سیره‌نگاران.

۶. وجود خبرهای متضاد با گزارش ابن‌اسحاق از روات مطرح در گزارش مذکور مانند ابوسعید خدری.

درمجموع می‌توان دریافت که باتوجه‌به موارد بیان‌شده، ادلهٔ متقنی برای انتساب این گزارش به محمدبن‌اسحاق و صدور آن در جهت بیان وقوع غدیر خم از جانب وی وجود ندارد؛ بلکه تأکید و بسط گزارش منسوب به ابن‌اسحاق توسط مورخانی همچون ابن‌کثیر، در لوای اهداف سیاسی، اعتقادی صورت پذیرفته و پیامدهایی ازجمله تفسیر نادرست در معنای مولی در عبارت «من کنت مولاه فهذا علی مولاه»، دور شدن امت اسلام از اصل رخداد غدیر خم، شکل‌گیری گفتمان افضلیت (وصایت) امام علی علیه‌السلام، رشد منازعات مذهبی و فرقه‌ای، پیدایی چهره‌ای نامطلوب از خشونت‌های فرقه‌ای در نزد ادیان دیگر، ایجاد بستر برای دخالت هدفمند غیرمسلمانان در اختلافات جاری در طول قرون متمادی را به دنبال داشته است.

فهرست منابع

۱. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمیدبن‌هبة‌الله، ۱۴۰۴ق، شرح نهج‌البلاغه، تحقیق و تصحیح: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: مکتبة آیت‌الله مرعشی.
۲. ابن‌اثیر، ۱۳۸۵ق، الکامل في التاریخ، بیروت: دار صادر.
۳. ـــــــــ، بی‌تا، اسد الغابه، تحقیق: محمد ابراهیم بنا، قاهره: دار الشعب.
۴. ابن‌حبان، ۱۴۱۱ق/۱۹۹۱م، مشاهیر علماء الأمصار و أعلام فقهاء الأقطار، بی‌جا: دار الوفاء للطباعة والنشر والتوزیع المنصورة.
۵. ابن‌عدی، عبدالله و غزاوی، یحیی مختار، ۱۴۰۹ق، الکامل في ضعفاء الرجال، بیروت: دار الفکر.
۶. ابن‌کثیر، اسماعیل‌بن‌عمر، بی‌تا، البدایة و النهایة، بیروت: دار الفکر.
۷. ابن‌هشام، عبدالملک، بی‌تا، السیرة النبویة، تحقیق و تصحیح: ابراهیم آبیاری و دیگران، بیروت: دار المعرفة.
۸. امینی، عبدالحسین، بی‌تا، الغدیر فی الکتاب و السنة، قم: مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیة.
۹. باقلانی، ابوبکر محمدبن‌طیب، ۱۴۰۷ق/۱۹۸۷م، تمهید الاوائل فی تلخیص الدلائل، تحقیق: عمادالدین احمد حیدر، بیروت: مؤسسة الکتب الثقافیة.
۱۰. جعفریان، رسول، ۱۳۷۹ش، «پاره‌های برجای‌مانده کتاب فضائل علی‌بن‌أبی‌طالب ﷺ و کتاب الولایة»، میقات حج، ش۳۴، ص۱۹۷ـ۲۱۸.
۱۱. حلبی، علی‌بن‌ابراهیم، ۱۴۲۷ق، السیره الحلبیه، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۱۲. خطیب بغدادی، احمدبن‌علی، ۱۴۱۷ق، تاریخ بغداد، تحقیق: مصطفی عبدالقادر، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۳. الدوری، یحیی‌بن‌معین، بی‌تا، تاریخ ابن‌معین، تحقیق: مکتب الدراسات الإسلامیة لتحقیق التراث، بیروت: دار القلم.
۱۴. ذهبی، محمدبن‌احمد، ۱۴۲۸ق، تذکرة الحفاظ، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۵. ـــــــــ، ۱۴۰۵ق. سیر أعلام النبلاء، بی‌جا: مؤسسة الرسالة.
۱۶. رازی، ابن‌أبی‌حاتم، ۱۴۱۹ق، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: أسعد محمد الطیب، مکه المکرمه: مکتبة نزار مصطفی الباز ـ المملکة العربیة السعودیة.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد، ۱۴۲۰ق، محاضرات الادباء و محاورات الشعراء و البلغاء، بیروت: نشر شرکة دار الارقم‌بن‌ابی‌الارقم.
۱۸. ربانی گلپایگانی، علی، ۱۳۹۶ش، امامت در بینش اسلامی، قم: بوستان کتاب.
۱۹. رحیم‌لو، یوسف، ۱۳۹۹ش، «ابن‌کثیر»، در دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج۴، ویراستار: محمدکاظم موسوی بجنوردی، تهران: نشر مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۲۰. رضازاده لنگرودی رضا، ۱۳۹۹ش، «ابن‌اثیر»، در دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج۴، ویراستار: محمدکاظم موسوی بجنوردی، تهران: نشر مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

۲۱. زریاب خویی، عباس، ۱۴۰۰ش، سیره رسول الله ﷺ از آغاز تا هجرت، تهران: سروش.
۲۲. سبحانی، جعفر، ۱۴۱۸ق، موسوعه طبقات الفقها: المقدمه الفقه الاسلامي منابعه و ادواره، قم: موسسه الامام الصادق ﷺ.
۲۳. سمعانی، عبدالکریم‌بن‌محمد، ۱۳۸۲ق، الأنساب، تحقیق: عبدالرحمن‌بن‌یحیی المعلمی، حیدرآباد: مجلس دائرة المعارف العثمانية.
۲۴. شرف‌الدین، صدرالدین، ۱۳۶۸ق، خلیفه النبي في عيد الغدير، صور: نادی الامام الصادق ﷺ.
۲۵. شهرستانی، سیدعلی، ۱۳۹۰ق، وضوء النبی: البحث التاریخی یا تاریخ اختلاف المسلمین فی الوضوء اسبابه و دواعیه، قم: انتشارات موسسه رافد.
۲۶. شیبانی، أحمدبن‌حنبل، ۱۴۲۱ق، مسند الإمام أحمدبن حنبل، بیروت: مؤسسة الرسالة.
۲۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۳۹۴ق، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: موسسة الأعلمی للمطبوعات.
۲۸. طبرانی، أبوالقاسم سلیمان‌بن‌أحمد، ۱۴۱۵ق، المعجم الأوسط، تحقیق و تصحیح: طارق بن عوض‌الله بن محمد و عبدالمحسن‌بن‌إبراهیم الحسینی، قاهرة: دار الحرمین.
۲۹. طبری، محمدبن‌جریر، ۱۳۸۷ق، تاریخ الأمم و الملوک، تحقیق: محمد أبوالفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث.
۳۰. طوسی، محمدبن‌حسن، ۱۴۱۴ق، الأمالی، قم: نشر دار الثقافة.
۳۱. عیاشی، محمدبن‌مسعود، ۱۳۸۰ق، کتاب التفسیر، تصحیح: هاشم رسولی، تهران: مکتبة العلمیة الاسلامیة.
۳۲. قلیچ، رسول و ربانی‌زاده، محمدرحیم، ۱۳۹۸ش، «تبیین تاریخی دلایل عدم روایت واقعه غدیر در سیره ابن‌اسحاق»، پژوهشنامه تاریخ اسلام، دوره ۲۰، ش۳، پیاپی ۷۹.
۳۳. گرجی، ابوالقاسم، ۱۳۹۸ق، تاریخ فقه و فقها، تهران: سمت.
۳۴. محمدجعفری، سیدحسین، ۱۳۶۸ش، تشیع در مسیر تاریخ، ترجمه: سیدمحمدتقی آیت‌اللهی، تهران: فرهنگ اسلامی.
۳۵. مهدوی، اصغر، ۱۳۷۷ش، مقدمه سیرت رسول الله، ترجمه: رفیع‌الدین اسحاق‌بن‌محمد همدانی، تهران: خوارزمی.
۳۶. میلانی، السیدعلی الحسینی، ۱۳۷۴ش، نفحات الازهار فی خلاصه عبقات الانوار حامد حسین الکنتوری، قم: مرکز الحقایق الاسلامیه.
۳۷. واقدی، محمدبن‌عمر، ۱۴۰۹ق، المغازی، تحقیق: مارسدن جونز، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۳۸. الهیثمی، نورالدین علی‌بن‌أبی‌بکر، ۱۴۱۴ق، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، تحقیق و تصحیح: حسام‌الدین القدسی، قاهره: مکتبة القدسی.
۳۹. یوسفی غروی، محمدهادی، ۱۴۱۷ق، موسوعة التاریخ الاسلامی، قم: مجمع الفکر الاسلامی.